

مدیر کل

جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام
صاحب امتیاز روزنامه هفتگی
ویومیه (جبل المتین)
(عنوان مراسلات)
طهران خیابان لاله زار
نایب مدیر میرزا سید حسن کاشانی
دبیر اداره آشیخ یحیی کاشانی
غیر از روزهای جمعه همه روز
طبع و توزیع میشود

یومیه

سَمَلِّین

۱۳۱۱

طهران

قیمت اشتراك سالیانه

طهران ۴۰ قران
سایر بلاد داخله ۴۵ قران
روسه و قفقاز ۱۰ منات
سایر ممالک خارجه ۳۰ فرانک
(قیمت يك نسخه)
در طهران يكصد دینار
سایر بلاد ایران سه شاهی است
قیمت اعلان سطره
دو قران است

(روزنامه یومیه مل آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه)
(بامضا قبول و دو انتشارش اداره آزاد است و مطلقاً مسترد نمی شود)

پنجشنبه ۱۱ ذی الحجه ۱۳۲۵ هجری قمری و ۱ بهمنماه جلالی ۸۲۹ و ۱۶ ژانویه ۱۹۰۸ میلادی

ما ادري اثر اريد بين في الارض

ام اراد بهم ربهم رشدنا

مال کار مایه و مملکت ایران تا معلوم است افکار عموم در اینباب بر سه نوع است فرقه بر آنند که این پریشانی و تزلزل علامت حسن عاقبت است زیرا که مایه از خواب غفلت بر خاسته و خیر و شر خود را شناخته و دوست و دشمن را از هم تمیز داده و دولت را مشروطه و مملکت را قانون کرده و مایه را ترغیب به تحصیل علوم و فنون ساخته و از خارجه منتفر شده اند و با اتحاد و اتفاق کراییده اند معنای مایه و وطن را فهمیده اند بودجه دولت را موازنه نموده اند و تأسیس مکاتب نموده اند و افکار و اقلام را آزاد نموده اند داوای پارلمنت شده اند و انجمنهای رسمی و غیر رسمی بر پا نموده اند در صدد تشکیل بانک بر آمده اند و تمام مایه را مشق نظامی داده اند و راه ترقی و تمدن را شناخته اند خاطر پادشاه را با اتحاد مایه جلب نموده و وزرا را مسئول قرار داده اند و حکامرا ب عدالت مایل نموده اند و حجج الاسلام را بحمایت مایه و دولت همراه نموده اند و جمیع اسباب ترقی را فراهم نموده اند و این پریشانی بدوا و تزلزل لازم و ملزوم طبیعی ترقی است (تا پریشان نشود کار بسامان نرسد) و در ترقی ملک و دول دائماً این تزلزل و بدتر از این دیده شده و هر تیزی از تزلزل لابد است و نباید او را دلیل عدم موفقیت شمرد بلکه باید صابرین را بشارت بر توفیق داد و فرقه دیگر بر آنند که این تزلزل و پریشانی مقدمه محو و نابودی است زیرا که بیداری در تمام مایه یا نصف و ربع و خمس مایه نیست درسی کروور مایه بازده هزار بیدار و عالم به قوانین نیست که در هزار قریک فقر به حساب بر آید و بقاعده

(الحكم الاعم الاغلب) باید عموماً حکم بختگی و جهالة کرد که اگر در میان خارستان چند بوته ترکس برآید ترکس زار نمیتوان گفت و این اتحاد ملحوظ سطحی و ظاهری است (کلامهم واحد و قلوبهم شتی) هر کس بملاحظه از ملاحظات شخصیه بهمراهی ظاهر مجبور شده اند و این جنبش مایه لاین شعور بلکه در حکم حرکات مذبوحی است لا تحسبوا ان رقصی کان من طرب

الطير يرقص مذبوحاً من الاطم

این حرکات جاهلانه مایه نفوذ دولت را از مایه مرفوع داشته و رعب از قلوب عموم برداشته شده سیاست از میان رفته و ریاست جهال بدون سیاست غیر ممکن است و این نکته است که اسباب سلب آسودگی عموم گشته است و هیچ مأموری از آمر فرمان نمیرد و امور مملکت از این رو مختل شده و روزگار هرج و مرج شده و جان و مال رعیت در معرض تلف و اطراف مملکت جولانگاه همسایهگان گردیده و از دیر زمان دول همجوار از جهت اظهار منویات خود مترصد اینحال بودماند و محالست که وقت فرصت را قوت نمایند و فرقه ثالث را عقیده بر این است که آیه مذکور در عنوان مصداق حال حالیه ایران و ایرانیان است و هنگام بحران است و معلوم نیست که بحران حید است یا بحران روی نقطه کمالست یا نقطه زوال و حسن و قبح این تغییر وضع دولت و جنبش ملت از نتیجه معلوم خواهد شد و به اراده خداوندی احدی را دسترس نیست ولیکن آنچه که در این باب منظور نظر دورنده ایشان است اینست که فعلاً که حالت وضع ایران متغیر شده و کار مملکت بقبال دیگر ریخته گشته و طایفه زمان این میوه نارس را مطبوح کرده عقلا و حکما این حالت حالیه را به حالت اولی عودت دادن بدون سفک

و مامنه محال است و بلکه در حالت سفک دما همسایه کانرا
 به پناه تامین حدود و تبعه خودشان حق مداخله و تصرف و
 تسخیر خواهد بود و این امر نعم الوسیله از برای محو و
 نابود شدن ملک و مملکت خواهد کرد زیرا که دولت و ملت
 عوض مدافعه خارجه به محاربه داخله مشغول خواهند شد
 و اجانب بدون معارض تمام مملکت را متصرف شده و افراد
 ملت را هم از خود خورسند خواهند نمود پس در صورتیکه
 عقل حکم میکند که در صدد تحصیل حالت اولیه بودن تعجیل
 در محو و نابودی خواهد بود لاجرا علاج باید تمام افراد مملکت
 از شاه گرفته تا کذا در ترویج امر مشروطیت در کمال جان
 نثاری همراهی نماید که از احدی الحسینین خالی نخواهد بود
 یا ملک و ملت را از این اتحاد ترقی حاصل خواهد شد و یالینکه
 تاخیر و بطو در زوال ملک و ملت صورت خواهد گرفت
 و مملکت ایران به بی غیرتی و ست عنصر در افق و بالن سایر
 مال مذکور نخواهد شد و مثل ترانسوالیها در مغلوبیت به
 غایبه نامدار خواهند گردید و غالب ظن اینست که در صورت
 اتحاد سی کرور مملکت بعون الله تعالی هیچ دولتی را برایشان
 دسترس نخواهد بود از مملکت ایران اقل عددا بسیار مملکت هستند
 که در سایه اتحاد محافظه استقلال و آزادی خودشانرا نموده اند
 بلکه در میانه اتحاد احداث استقلال برای خودشان نموده اند
 مثل دولت سوئیس و رومانیای و صرب و بلغار و یونان و غیره
 و غیره پس در این صورت لازم و واجب است که اسنانا
 و قلبا و قولا و فعلا با مجلس شورای ملی همراهی کرد و در تحصیل این
 اتحاد ملی با جان و دل کوشید و هیچ فردی نباید خود را بکنار
 بکشد زیرا که مملکت مرکب از افراد است فعلی هذه المقدمات
 در علیه مجلس شورای ملی حرف نمیزند و اقدام نمیکند
 مگر آنکه از عقل و یکاست و هوش و فراست و غیرت و
 حمیت عاری باشد

تلگراف از شیراز — به طهران

توسط روزنامه مجلس جبل المتین ندای وطن - سورا سرافیل
 تمدن صبح صادق خدمت ارباب جمید رئیس ادارجات
 جمیدیان و وکیل زردشتیان در دارالشورای کبری ایران با
 کمال رقت و اضطرار و بیرون از سکونت و اختیار زحمة بدعم
 کما از آغاز دولت مطلقه ایران بشروطیت تا کنون چندین بار
 بواسطه آن جناب و رؤسا عاجزانه عرایض متظلمانه خود را بابت
 قتل جناب ارباب پرویز رئیس اداره جهانیان در یزد نمودیم و
 تامین جان و مال خود را خواستکار شدیم که بدبختانه این آمال
 حسرت اشتمال ما در قبرستان تاریخی شهدای وطن
 عزیز مدفون تغافل آن جناب و رکلاهی محترمی که ضامن بقای
 مملکت هستند و قاتل شریر ارباب پرویز بسیار اجامرو
 اوباش دست مجری داد تا آنکه در پایتخت ایران که محور حیات
 و ممانت ایران است مدیر اداره جهانیان است بخاک هلاک و فضاحه

کشدند بمذاق این دو قضیه می شومه جان و مال مازدشتیان در
 خطر است و اگر در مجازات این قتله تسامح شود ماندن ما بد
 بختان پریشان روزگار در ایران که پای بند حب وطن همچنین
 بهایم اهل هندوستان اسپر و مطیع و فرمان بردار هستیم به فتوای
 عقل سلیم بی ثمر است پس اولین وظیفه آن جناب این است که جدا
 مجازات قتل را از دارالشورای کبری ایران طلب نماید و ما
 بچارگان را بشارت تامین مال و جان بدهید و الا ترک وطن عزیز
 گفته بیدار بیکانگان و هسپار و در ظل اجانب بر خوردار و
 این ننگ ابدی که ترک وطن است خریدار کردیم

(زردشتیان هشتم شیراز)

جبل المتین

از طرف عموم مملکت از طایفه تنجیه زردشتیان وطن پرست
 که زاده این خاک با کند متوقع صبر و سکوت هستیم و خود را در تمام
 بلا و بوجن وارد بر ایشان شریک و هم درد میدانیم و در طلب
 راحت و امنیت آنان و عموم مقیمین ایران نهایت جان فشانی و
 اقدامات را داریم این ناامنی و قتل و غارت تخصیص بان طایفه تنجیه
 ندارد مسلمانان بیش از آنها دچار مصائب و گرفتار خورتری و
 تاراج ظالمانند باید عموم مملکت ایرانی در رفع ظلم و مجازات ظالمین و
 تامین بلاد و آسایش خلق نهایت سعی و کوشش را داشته باشند از
 امناء مملکت و رجال دوله خواهشمندیم که ملتفت این نکته شده که
 اگر بواسطه عدم امنیت این بچارگان ترک وطن خود کرده و روی
 از دیار ما توف بگردانند چه سکتة بزرگی بر این ملک و ملت
 روی خواهد داد و چه زیان و خسارت عظیمی عاید دولت
 و ملت خواهد شد — پس اهم فرایض جلوی گیری از این
 مفاسد خطرناک است که بهر وسیله که هست امنیت در بلاد داده و
 آسایش بعموم مملکت خاصه بایشان بدهند و مرتکبین فساد و شرارت را
 بزودی بجزای خود برسانند

(مکتوب از مشهد مقدس)

در روز نامه کرامی جبل المتین یومہ منطبعه طهران
 مورخه ۲۹ شعبان ۱۳۲۵ شماره ۱۳۵ شرحی را که سفارت
 دولت بهر انگلیس مقیم طهران رسماً بتاریخ نیمه شعبان
 ۱۳۲۵ بوزارت خارجه دولت علیه نوشته با اسواد عهدنامه
 منعقدہ فیما بین روس و انگلیس در خصوص آبهای جنوبی
 که در ۳۱ اوست با معضای نیکس دایر رسیکی رسیده است
 درج فرموده بودید

و برای نسخ آن فصول هم مرقوم فرموده بودید
 بتانون موثره ایران مال ایرانیان است
 اولاً از ذکر و اشعار اینکلام جان جهانیان را باید
 فدای ناقل و قائل این بیان نمود
 و ثانیاً بخوبی خاطر حقایق بین آن جناب واقف است
 که از هر حرف و کلامی نتیجه و اثری خواسته شده است
 آیا برای ثبوت و وضوح این کلام جاتقرا چه تدبیر و

وسيله را دست آور فرموده کوش و هوش ناظرین عالم را از این نوای دلربا جلب نموده طالب نام نامی و بقای جاودانی در هر انجمن و جمعی خواهند شد اگر ما باندازه که قوای لطایف بیانیه را دارا هستیم عسری از اعشار آنرا هم صرف فعلیات و نتایج کلام مینمودیم و یا متدین بائین احمدی م و بیرو قواعد متینه آن می بودیم یرق اعتلای ما چون دیگران در روی کره در اهتر از بود

ما مسلمانان اسی قانوناً ممنوع از دوئیت و تناق و مأمور بخوت و اتقاقیم کو ؟

رشوه و وبا ظلم و جفا مردود قواعد این دین ضعیف است کو ؟ — خداوند کریم تضلیل میدهد مجاهدین را بر قاعدین ما که بر خلاف در مقام اذلال و انهدام بیان هستی آنها و نوع خودیم

هیچ میدانید این رؤسا هر یک بتعارف و رشوه چه شده اند چه بسر رعیه و مجاهد خاک ما آورده اند و می آورند ؟ — کدام مجلس تشییش صادقاته در ایران ما وضع شده است که بیک نفر از آقایان در کمال غم خواری بدولت و ملة عرض کنید

بازار تومنان مواجب که حالت خدمت شما و وصول غیر معلوم است از کجا صاحب کرورات و و و شده اند آیا شما کدام مملکت را آباد داشته اید آیا برای هوا و هوس خودتان این مملکت را خراب و ویران فرموده اید آیا کدام مملکت را توانسته اید ضمیمه این خاک بفرمائید و یا تقاطی را که بتصرف دیگران داده اید مسترد بدارید آیا کدام قشون مخالف را منهزم داشته اید که صاحب آتقیام و ثروت و امتیازات قانوناً شده اید خجالت میکنم که تصریح حاله رؤسای هر دایره را بکنم تعارف است که خانه ما را خراب و رعیه ما را بریشان و روزگار ملة و دولت را تبه داشته است (نه هر که سر تراشد قدری داند) الی آخر از گفتاری کردار چه حاصل کو حق رسی ؟ کو داد رسی ؟ کو رعیه ؟ کو مجاهد ؟ کو آلات دفاع ؟ هر کس بصورتی در فکر اضمحلال ملت و دولت است این رؤسای نام آور طوری بذهن عموم مردم جا داده اند که دولت خیانت پسند است و همین طور هم معمول میدارند

هر که درمان کرد مر جان مرا . برد کنج درو مر جان مرا (یعنی تعارف) (یعنی مال ملة و دولت)

خاک قرانسه و یا هر دولتی زیاده از یک ایالة بزرگ ایران نیست از چه آنحاله ثروت و قوت در او است و از چه این مذلت و خاری در ما است ای کاش رؤسای ما افلاکستان خوان میبودند و آن قوه و استعداد را داشتند

که فقرات آنرا بموقع اجرا می گذاشتند مردم افغانستان خلقتاً زیاد خشن و دور از قبول تمدن هستند ملاحظه میفرمائید یکنفر مرحوم امیر عبد الرحمن خان با ملاحظات و مخاطرات جواریه و عدم استعنا عنی که داشت در ظرف ۲۵ سال دارای چه مقام شده است رؤسای ما هر چه به بینند میخواستند چنان مدهوشند که جز روی وصال محبوب دخل ذکر و فکری دیگر نداشتند کما قال

(مؤذن غلط گفت بانگ نماز)

(مگر مثل من مست و مدهوش بود)

یکی از اروپائیا میگفت ایرانیها که با اروپ میبایند محاسن افعال ما را گذارده سیئات ما را بایران نقل میدهند کدام یک از رؤسا هستند که جان سوزانه خادم ملة و دولت باشند بتولون بافواهم ما لیس فی قلوبهم در این سالیان دراز اگر یک اثر و حقیقتی دیده اید بفرمائید

قانون اساسی را هم که در نمره ۱۳۸ بتاریخ ۳ رمضان طبع فرموده بودید زیارت کردم همینقدر میتوانم عرض نمایم و دور هم نیست اگر محذوری نباشد تصدیق بفرمائید هر قاعده شرط اول آن اجرا است اگر بالسویه و بی تحریف و تأویل بمقصود خود باشد بهر حال اجرا اجرا لازم است خدا آن قوه را بدهد

تکراف از میان دو اب — بطهران

بتوسط وکلای آذربایجان حضرت وزیر امور خارجه تکراف مفصل سابق من اگر رسیده باشد از اظهارات قریب مسوق میشود عشایر متمرده قریب بیست هزار نفر امروز ششم تا کنون که سه ساعه از شب میکردند دور ساوجبلاغ را گرفته و با ما خنکبند ما هم دفاع کردیم از طرفین خنک کشته شد و الان هم در محاصره هستیم صندوقخانه و بارهای بنده را با کارخانه و آرد و جو و شتر و هفت هشت هزار تومنان پول نقد اردو را که از مبادواب میاورند عشایر متمرده جلو گیری کرده از سواره شاهسون اردبیلی و عطاء السلطنه و سواره ایسانلو و غرجه داغی تمام را بردند فقط سواره ها خودشان را رساندند جمعی هم از طرفین کشته شد و اگر استعداد عاجل بمن نرسد من و سوارهایم تمام خواهیم شد جدا میکنید باید از ساوجبلاغ بروید استعداد عاجل قورخانه پیش از این نمیتوانم حاضر کنم تا قطره خون آخرین من ریخته بشود ساوجبلاغ را خالی نخواهم کرد سی چهل نفر از نوکرها ی شخصی خودم زخم دار و کشته شده و سعید السلطان پسر دانی بنده که اول توبیجی و صاحب منصب است و جنگ نمایانی کرده با توپخانه دوزخ کلوله خورده و هنوز زنده است استعداد تکلیف تاکی خواری تاکی بی حیتی و تهاون و سستی

باشد آیا شما مسئول انتظام خانه خود و اطرافش میباشد چه کرده‌اید و چه خواهید کرد علت عدم همراهی چیست اگر مسئولیت بدون کار کردن باشد هر فردی از افراد میتواند برعهده بگیرد اگر کار است که کو حاصل افعال شما سواد نطق جناب اجل وزیر مختار دولت امپراطوری پادشاهی اطریش و مجارستان بخاکهای مبارک اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی خلدانه سلطنته دولت بتوسط نایب سفارت اعلیحضرت شاهنشاهی

جناب وزیر مختار اطریش و مجارستان فدورا مأمور نموده است که در اینموقع روز سال اولنا چکنداری اعلیحضرت هایونی تبریکات صمیمانه خودشرا بخاکهای مبارک تقدیم دارم

جلوس ابد مانوس در تاریخ ایران همیشه جالب نظر و شایان دقت و اهمیت خواهد بود باعتبار اعطای مشروطیه که بواسطه او اینمملکه خودشرا در ردیف ممالک جدیده متمدنه قرار داد خاصه در صورتیکه این تغییر کلی بارادرسنه اعلیحضرت شاهنشاه سعید نورانه مضجعه و ذات مقدس ملوکانه در همچو مملکتی که کاملاً حاضر و مستعد این تغییرات و ترتیبات و قبول مشروطیه نبود بدون ظهور اختلاف و حادثه عظیم و تلفات جانی و منافی گذشت خوش بختانه این قضیه آخر که تولید توهمات و خیالات ممالک خارجه و ایران را نموده بود بدون سفاک دماغ و مال گذشت و اصلاح شد مسلت میبایم که وما بعد علل اختلاف و برودت بین اعلیحضرت شاهنشاهی و ممالک ایران مرفوع و مقفود و وسایل اطمینان و مساعدت طرفین موجود باشد تا سلم و اضطراب اهالی معدوم بانیات حسنه ملوکانه موافقت حاصل و سنوات متبادی موجبات صلح و سعادت ایران فراهم باشد این است ادعیه خیریه رئیس من وزیر مختار و سفارت اطریش و مجارستان

(تبریک)

جناب محمد صنی خان مقدس کل مدارس که از اجله تربیه یافته‌کن عصر جدید و دانشوران وقت است و پدر در پدر بعالم علم و اواره معارف خدمات شایسته نموده اند و خود ایشان نیز در مراتب علم و عمل و توسعه معارف زیاد از اندازه زحمت کشیده و خدمت نموده لهذا نظر بمخدمات چندین ساله ایشان از طرف قرین الشرف ملوکانه بتصویب وزارت حلیه علوم و معارف بشایستگی بلقب ناظم المولوی مفتخر و مباهی کشته‌اند اعضای اداره جبل المتین ایشانرا به نیل این رتبه والا تبریک و تهنیت مینمایند و خدمات لایقه ایشانرا بمدارس و مکاتب تمنا و مسته دارند

(حسن الحسینی الکاشانی)

یک نسخه تلکرافخانه مبارکه بانجمن تبریز و یک نسخه بمحضرت محتشم السلطنه مخبره نماینده تکلیف ساوجبلاغ را معین نمایند بنه سالار مظفر قریب دو قطار قاطر و دو قطار شتر مال عطاء السلطنه و غیره را هم برده‌اند و اگر ساوجبلاغ را بخوام تخلیه کنم اغلب اهالی که قسم خورده‌اند مهاجرت خواهند کرد هر چه میکنید تکلیف معین مصرح و معین نمایند و استعداد و پول بفرستید که از کرسنکی تلف خواهیم شد

(جبل المتین)

اف بر این حیث لعنت باین تعصب که دشمن اینگونه بمملکه هجوم آور شود و خون بندکان خدا بی تقصیر و سبب ریخته شود باز ما دست از دامن اعراض میثومه خود بر نداریم و هر روز بتوعی اسباب خانه خرابی و ویرانی خود را فراهم کنیم نه خجسته از بیگانگان کنیم نه شرم از اجانب کنیم نه ترس از خدا و رسول نه باک از رفتن نام نیک داشته باشیم و بدست خود خال بی تعصبی و بی شرفی بر چهره خود گذاریم ایوکلای ایوزرا ابرجال ای ممالک ای دولت ای ایمنها ایضا جان غیرت خراب تاکی بر یثانی تا چند غفله تاکی بی حیثی تا چه وقت که نتیجه اقدامات شما چیست حاصل وطن پرستی شما که ثمر اتفاق و همراهی بیچاره فرمانفرما هشت ماه داد زد فریاد کرد استعداد تهیه همراهی هیچ کوش ندادید غیرت وطن داریش مانع شد که چون دیگران آذر باجراترا گذاشته و بیاید سر خویش کبیرد و راه آسودگی در پیش خود را بکام دشمن انداخت و بامید همراهی و حمیه شما خویشرا بدریا زد آیا باید عرق شود؟ آیا باید بیکه و تنها او را میان دشمن گذاشت؟ آیا باید بچنین مرد کافی که در این دوره فقط الرجال که خدمت ملیرا بسته هیچ مددی نرساند؟ آیا باید گذاشت جان و مالش تلف شود؟ اگر باشخص فرمانفرما عرضی دارید و روسفیدش را نمیخواهید و مایلید که از یاد آید تقصیر ممالک و مسلمه آنان دیگر چیست مملکترا چرا بر باد میدهد ای ممالک عیس ای ایرانیان دل مرده از وطن پرستی زبانی چه حاصل؟ و از اتفاق لفظی چه ثمر خاک کدام کورستان را بر شما پاشیده‌اند؟ بکدام قوه مانیه بیسم شما را از حس و حرکت باز داشته‌اند آخر به بیند چه باید کرد امروز فرمانفرما و ساوجبلاغست فردا نوبت شما میشود چرا بر خود رحم نمیکنید چرا ب فکر آتیه خود نمی‌افندد کیرم اجماع کرده و جمعی را بتلکرافخانه برید از تلکراف چه حاصل خواهد شد آخر برسید به بیند این اقدامات لازمه بزکان چه کرده آخر از آصف الدوله وزیر داخله جویا شوید این مسئولیتی که شما برعهده گرفتید یعنی چه این اقدامات شما کو آیا وجود خارجی نباید داشته